

بازنمایی و تحلیل گفتمان انتقادی - لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی

ایمان عرفان منش^۱، سهیلا صادقی فسایی^۲

چکیده

جهان اجتماعی عرصه گفتمان‌های متعددی است که در تثبیت فضای گفتمانی خود، با یکدیگر رقابت می‌کنند. کفایت تجربی گفتمان به توانایی در الگوسازی از نهادهای اساسی جامعه از جمله خانواده مربوط می‌شود. پس از انقلاب اسلامی، گفتمان‌های متخصص برای مقابله با جریان گفتمانی این انقلاب تلاش کرده‌اند. این مقاله، پس از جست‌وجوی اسناد و اخبار معتبر درباره زنان و خانواده در میان شبکه‌های اجتماعی و پایگاه‌های خبری بین‌المللی و داخلی (۶۲ سند بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵)، الگوی خانواده از منظر گفتمان داعش را، بر اساس بینش نظری و روشی تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان لاکانی، در سه سطح تحلیل توصیفی، تفسیری و تبیینی بازنمایی و تحلیل کرده است. بخشی از قدرت گفتمانی آن الگو متأثر از عرصه ارتباطی و فضای مجازی است. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که الگوی خانواده داعشی حول مفاهیم مردم‌محوری، غلبه اصالت جمع و توجه به آموزه‌های سلفی‌گرایی و ظاهرگرایی مفصل‌بندی می‌شود.

واژه‌های کلیدی

تحلیل گفتمان، خانواده، فناوری‌های ارتباطی، انقلاب اسلامی ایران، داعش

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۹

iman.erfanmanesh@gmail.com
ssadeghi@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

خانواده، یکی از نهادهای اصلی جامعه، متأثر از فضای گفتمانی حاکم بر جامعه است. گفتمان قادر است شیوه‌ای خاص از رفتار کردن را برجسته کرده و مشروعیت بخشد. تولید و بازتولید مناسبات اجتماعی و روابط خانوادگی در شبکه‌ای از معانی مشخص اجرا می‌شود. در هر جامعه، گفتمان‌های متعددی حضور دارند. گفتمان مسلط، به تجویز هنجارها و ارزش‌های متناسب با دال مرکزی خود مبادرت کرده و از نهادهای اساسی جامعه، الگوهایی را ارائه می‌دهد. رقابت میان گفتمان‌ها هنگامی حساس‌تر می‌شود که خوانش گفتمان‌ها حول پدیده‌ای واحد قرار می‌گیرد. نوع نگرش متفاوت به اسلام، باعث تجلی نگرش‌های متعددی به خانواده اسلامی، اقتصاد اسلامی یا حکومت اسلامی خواهد شد. بر این اساس، برآمدن گفتمان انقلاب اسلامی ایران با حرکت سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، نگرش متفاوتی را درباره خانواده اسلامی پدید آورد. تا قبل از انقلاب اسلامی، دو گفتمان لیبرالیسم و سوسیالیسم به مثابه بنیان‌های نظری و تجربی برای سایر جوامع عمل می‌کردند (بنگرید به: مطهری، ۱۳۶۳: ۱۲۵). انقلاب اسلامی، ضمن معرفی جریانی سوم، مناسبات گفتمانی را در عرصه نظری متحول کرد. گفتمان انقلاب اسلامی که حول دین و ارزش‌های اسلامی مفصل‌بندی می‌شود، به پشتوانه مبانی نظری برخاسته از تعالیم الهی، می‌تواند در عرصه‌های مختلف اجتماعی به ارائه الگو از خرده نظاماتی مانند سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت (آموزش) و خانواده بپردازد. «الگوسازی»، یکی از مهم‌ترین کوشش‌های نظری گفتمان‌ها، به لحاظ مفهومی مشتمل بر تبعات نظری منسجم و مدون شده در قالب مجموعه‌ای از اعمال و هنجارهای اجتماعی است که با به عاریت گرفتن مفاهیم متعلق به گفتمان مربوط، تلاش می‌کند به جهان اجتماعی معنایی ویژه داده و آن را متناسب با اصول و ملزومات منطقی خود، بازسازی نماید (عرفان‌منش و جمشیدیها، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۲).

برآمدن انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان حرکت فعال دین در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بدون واکنش دنیای مدرن و تمدن غرب همراه نبود. امروزه شاهد شکل‌گیری جریان‌هایی در منطقه خاورمیانه و جهان هستیم که با پوشش گرفتن از اسلام، به دنبال مقابله گفتمانی با انقلاب اسلامی هستند. «داعش»^۱ یکی از تمهیدات دنیای مدرن برای جلوگیری از رشد و نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در سایر کشورها است.^۲ گفتمان حاکم بر داعش، نه تنها دارای ابعاد سیاسی بلکه دارای ابعاد اجتماعی در قلمروی سبک زندگی و خانواده نیز هست. نفوذ گفتمان داعش با در اختیار داشتن رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، ممکن است به تقابل یا

۱. دولت اسلامی عراق و شام

۲. بنگرید به: مصاحبه حمید پارسانی، ۲۰/۸/۹۳: <http://shafaqna.com/persian/shafaqna/item/93907>

تخاصم گفتمانی با انقلاب اسلامی منجر شود. داعش با اخذ پوششی دینی در زمینه مفاهیم (از جمله «جهاد»)، مناسک و هنجارها تلاش کرده است تا تصویری را از اسلام در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اعتقادی ارائه دهد که شاکله گفتمان انقلاب اسلامی، موج بیداری اسلامی و گرایش جوانان به اسلام^۱ را مخدوش سازد.

با عنایت به اهمیت گفتمان‌ها در شکل دادن به دنیای پیرامون کنش‌گران و ساختن معنا، هویت و فعالیت‌های آنها، ضرورت دارد تا برای شفاف‌سازی مناسبات اجتماعی در قلمروی سبک زندگی و ساختار خانواده، به تحلیل الگوی خانواده از منظر گفتمان داعش پرداخته شود. هرگونه تلاش علمی با پشتوانه مستدل نظری که مؤلفه‌ها و اجزای جامعه‌شناختی از نهاد خانواده را در مدلی طراحی کرده و به‌طور منسجم ترکیب کند، الگوی خانواده را تشکیل می‌دهد. یک الگوی جامع متشکل از نوع و کارکردهای خانواده، نگرش به ازدواج و طلاق، تقسیم کار خانگی، مناسبات قدرت میان اعضای خانواده، نگرش به نقش‌های پدری، مادری و فرزند، نگرش به اوقات فراغت اعضا است (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۱: ۱۷ و ۱۸).

پژوهش پیش‌رو سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که الگوی خانواده (نوع، کارکردها، روابط قدرت، نگرش به زن، مرد و فرزند، نگرش به قواعد همسرگزینی، ازدواج و طلاق) در گفتمان داعش دارای چه مؤلفه‌های گفتمانی است؟

بازشناسی مؤلفه‌های الگوی خانواده اسلامی ایرانی

پیش از بازنمایی الگوی خانواده داعش، ابتدا مهم‌ترین پژوهش‌های اجرا شده پیرامون ارائه مختصات و مؤلفه‌های اساسی الگوی خانواده اسلامی ایرانی معرفی می‌شود و سپس، دیدگاه‌های اساسی و کلیدی آن الگو تلخیص می‌گردد:

بستان (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی تشیع و تأثیر آن بر خانواده در ایران پرداخته است. وی معتقد است یکی از ویژگی‌های خانواده در ایران تأثیرپذیری از ارزش‌های مذهبی بوده و در همین راستا، توجه به خانواده مبتنی بر ارزش‌های دینی (اسلامی) را راه‌گشا قلمداد کرده است.

مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران (۱۳۸۶) در پژوهشی در زمینه عوامل مؤثر

۱. این گرایش در نامه‌های اخیر رهبر انقلاب به جوانان اروپایی و امریکایی آشکار است.

در تحکیم خانواده تلاش کرده است تا ضمن آسیب‌شناسی خانواده ایرانی در ابعاد گوناگون، به ارائه مختصات کلی یک الگوی قابل اتکا برای سامان‌دهی به وضعیت خانواده بپردازد. در این مدل، نیازمندی‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، قانونی و قضایی بررسی شده است. رضایی و نراقی (۱۳۸۹) به بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام^(ص) پرداخته‌اند و ضمن بررسی روابط اعضای خانواده در سه محور عاطفی اخلاقی، جنسی و اقتصادی، راه حل خروج از بسیاری از مشکلات و آسیب‌های موجود را توجه به الگوی خانواده برآمده از تعلیمات اسلامی معرفی کرده‌اند. سلطانی (۱۳۹۰) در پژوهشی پیرامون الگوی ساختار خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، به ویژگی مهم اصالت فرد و جمع در روابط تقسیم کار و قدرت در خانواده اشاره کرده و همچنین به عنصر همدلی برآمده از آموزه‌های دینی به‌عنوان خصلتی خاص در خانواده اسلامی تأکید ورزیده است. عرفان‌منش (۱۳۹۴) در پژوهشی درباره اتصال گفتمانی انقلاب اسلامی ایران با الگوی خانواده تلاش کرده است تا مؤلفه‌های گفتمانی مندرج در الگوی خانواده اسلامی ایرانی را در سطوح خرد، میانه و ساختاری بازنمایی و تحلیل نماید. بر اساس نتایج مستخرج از پژوهش‌های مذکور، الگوی خانواده اسلامی ایرانی دارای مؤلفه‌های ساختاری زیر است:

جدول ۱. مؤلفه‌های الگوی خانواده اسلامی ایرانی

ابعاد	دیدگاه‌های اساسی و کلیدی الگو
نوع خانواده	بالا بودن نسبی بُعد خانواده: توصیه به فرزندآوری - هسته‌ای بودن یا گسترده بودن خانواده (امکان در بر گرفتن چند نسل) - اهمیت شبکه خویشاوندان - اهمیت خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین واحدهای اجتماعی - اهمیت باورها و ارزش‌های اسلامی و فرهنگ خانواده ایرانی
کارکردهای خانواده	امکان تأثیر خانواده بر جامعه به سمت مطلوب - تولید مثل، جامعه‌پذیری، کنترل اجتماعی، مراقبت و حمایت‌های عاطفی، تنظیم روابط جنسی و مشروعیت‌بخشی به فرزندان - اهمیت تربیت، اجتماعی کردن و فرهنگ‌پذیر کردن فرزندان - اهمیت روابط خویشاوندی و صلۀ رحم در تسهیل جامعه‌پذیری و فرایند سالمندی، افزایش سرمایه اجتماعی و جلوگیری از فردیت
تقسیم کار خانگی و توزیع قدرت	بر مبنای آموزه‌های دینی - توجه به رویکرد تناسب بین وظایف مرد و زن - اهمیت تساوی حقوق زن و مرد و نه تشابه آنها - تمایز نقش‌های جنسیتی عاری از ارزش‌گذاری متفاوت برای نقش‌های گوناگون - نگاه تکمیلی به مرد و زن - عدم تگرش تفریدی به حقوق و تکالیف - تربیت فرزندان و مدیریت داخل خانه بر عهده مادر - سرپرستی بر خانواده، کار بیرون از خانه، کمک به امور داخلی و تربیت فرزندان توسط پدر - معاف بودن زنان از اجرای کار خانگی - امکان اشتغال زنان در صورت توافق با شوهر و ضرورت آن - امکان استقلال اقتصادی زن - اهمیت مسئولیت‌پذیری فرزندان در قبال خانواده بر حسب سن و جنس - اصالت هم با فرد و هم با جمع - یک‌طرفه و یک‌جانبه نبودن قدرت - متفاوت بودن منبع و نحوه اعمال قدرت در میان زن و مرد: تکمیل قدرت - بیشتر بودن اقتدار مرد در منظومه زن و شوهری و ساختار طولی - تصمیم‌سازی توسط همه اعضا و تصمیم‌گیری توسط سرپرست خانواده - توزیع قدرت بر پایه عدالت جنسیتی نه مساوات

ادامه جدول ۱. مؤلفه‌های الگوی خانواده اسلامی ایرانی

ابعاد	دیدگاه‌های اساسی و کلیدی الگو
نگرش به مردان	ضرورت خدمت به خانواده و تأمین نیازهای مادی و غیر مادی - تصدی امور خارج از خانه و مشارکت در امور داخلی - اهمیت ابراز عاطفه و علاقه به همسر - قوام‌بخش خانواده و نه برتری مرد - افرادی عقلانی- عاطفی - عدم ترجیح جنسی پسر
نگرش به زنان	افرادی عاطفی-عقلانی - ضرورت پوشیدگی و رعایت عفاف - امکان استقلال مالی و فکری از شوهر - امکان حضور در عرصه‌های مختلف علمی، ورزشی یا سیاسی - دارای نقش مهم در تربیت فرزندان
نگرش به فرزندان	مسئولیت‌پذیری درباره امور جمعی خانوادگی - اهمیت تهذیب، تحصیل و ورزش - امکان سرمایه‌گذاری و پیگیری علائق شخصی در عرصه‌های تحصیلی، هنری، اقتصادی یا ورزشی توسط دختر و پسر - امکان استقلال فکری در چارچوب موازین دینی و فرهنگی - حمایت عادلانه والدین از فرزند پسر و دختر - ضرورت منع تنبیه بدنی از سوی والدین - ضرورت توجه مداوم به مصالح خانواده و حمایت از والدین
قواعد همسرگزینی، ازدواج و طلاق	تقدس ازدواج - یکی از مهم‌ترین بنیان‌های زندگی اجتماعی: نقش ازدواج در افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی - توصیه به ازدواج در اوایل سنین جوانی - تأکید بر ازدواج آسان: پرهیز از مهریه‌های بالا - امکان ازدواج موقت و تعدد زوجات مرد(مشروط به برخی ضوابط و اقتضائات) - مشورت و تصمیم به‌صورت جمعی بین فرزند و والدین در دو فرایند همسرپایی و همسرگزینی - اهمیت آزادی انتخاب جوانان بدون هرگونه اجبار - ضرورت رعایت همسان‌همسری به‌ویژه به‌لحاظ دینی و اخلاقی - پرهیز از ازدواج با خویشاوندان خیلی نزدیک - امکان درون‌همسری یا برون‌همسری - طلاق به‌منزله ناپسندترین حلال: بالا بودن تبعات و هزینه‌های روانی و اجتماعی - سخت‌گیری در طلاق، بر خلاف ازدواج (از جمله وجود دو شاهد) - تأکید بر تفاهم و بازنگری در روابط پیش از طلاق - حق طلاق مردانه و در برخی موارد زنانه - امکان سامان دادن به ازدواج دیگر پس از طلاق (بدون قبح اجتماعی)

رویکرد نظری و تحلیلی

در این مقاله از دیدگاه‌های صاحب‌نظران تحلیل گفتمان استفاده شده است. تحلیل گفتمان، هم‌زمان دارای دو وجه نظری و روشی است و خصلتی اکتشافی و رمزگشایانه دارد.

الف) تحلیل گفتمان انتقادی: زبان، مشروعیت، کنش، قدرت اجتماعی

تحلیل گفتمان انتقادی ریشه در آرای فلاسفه‌ای مانند فردیناند دو سوسور^۱، لوئیس آلتوسر^۲، رولان بارت^۳، ژاک دریدا^۴، ژاک لاکان^۵ و میشل فوکو^۶ دارد (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹). یک گفتمان متشکل از مجموعه ایده‌های فرهنگی و اجتماعی تولید شده است که در برگیرنده نشانه‌ها و رمزها بوده و ارتباط قدرت با سایر مسائل را توضیح می‌دهد. گفتمان انتقادی، ساختارها

1. F. D. Saussure
2. L. P. Althusser
3. R. G. Barthes
4. J. Derrida
5. J. M. É. Lacan
6. M. Foucault

و موقعیت‌های گفتمان را در روابط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی وسیعی نشان می‌دهد (سردار و و لوون، ۱۹۹۸). تحلیل گفتمان شامل کنش‌های زبانی، ساختار متن نوشته، گرامر و لغت موجود در جملات، فرایندهای روان‌شناختی تفسیر، ایدئولوژی‌های اجتماعی و سیاسی است (گاتینگ، ۲۰۰۶: ۲۱۲). تحلیل گفتمان به بررسی متن و زمینه متمرکز است. یکی از مفروضات چنین رویکردی، اهمیت این امر است که توجه به عمل اجتماعی بدون رجوع به متن یا ساختار متنی، امکان‌پذیر نیست و نظریه‌ها از طریق متن، عمل اجتماعی را معرفی و عرضه می‌دارند (وداک، ۲۰۰۱).

گفتمان شکلی از کاربرد زبان است که با ساختارهای اجتماعی و به‌خصوص نهاد قدرت در ارتباط است (ون داک، ۱۳۸۲). زبان یکی از مهم‌ترین منابع مشروعیت‌بخش قدرت است. اصطلاح «انتقادی» در تحلیل گفتمان انتقادی، مرتبط با بررسی روابط قدرت است. ربکا راجرز^۱ سه بُعد اصلی تحلیل گفتمان انتقادی را عبارت از پی بردن به روابط پنهان قدرت، تلاش برای توصیف، تفسیر و تبیین روابط میان شکل و کارکرد زبان و در نهایت کشف مشکلات اجتماعی و تلاش برای حل آن از طریق تحلیل کنش سیاسی و اجتماعی می‌داند (راجرز، ۲۰۰۴: ۲۵۴-۲۳۷). هدف تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل عدم شفافیت است؛ چنان‌که به روشن شدن سلطه، تمایز، قدرت و کنترل نهفته در زبان منجر می‌شود (بلومارت، ۲۰۰۵: ۲۵-۲۴).

زبان در همه سطوح اجتماعی در پی ایجاد نظم و تغییر است (ون داک، ۱۳۸۲: ۸۰). جیمز پال گی^۲ معتقد است زبان قادر به معناسازی، دنیاسازی و فعالیت‌سازی است (گی، ۱۹۹۹: ۸۶). از نظر نورمن فرکلاف^۳، گفتمان قادر است کنش‌گران را وادار نماید تا با به‌کار گرفتن نمادها، نشانه‌ها و زبان‌هایی مشترک، به تعامل با یکدیگر بپردازند. به نظر او، بین سه سطح از پدیده‌های اجتماعی یعنی صورت‌بندی اجتماعی، نهاد اجتماعی و کنش اجتماعی رابطه وجود دارد. در این میان، زبان به منزله کنش اجتماعی است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۴۳؛ آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰). تئون ادریانوس ون داک^۴ معتقد است مطالعه گفتمان به مثابه کنش ممکن است رویکرد وسیع‌تری در پیش‌گیری تا کارکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گفتمان را در چارچوب نهادها، گروه‌ها یا به‌طور کلی جامعه و فرهنگ به نمایش بگذارد (ون داک، ۱۳۸۲: ۸۶). روث وداک^۵ معتقد است با

1. R. Rogers
2. J. P. Gee
3. N. Fairclough
4. T. A. Van Dijk
5. R. Wodak

در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی، وجود رابطه‌ای دیالکتیکی بین کردارهای گفتمانی و حوزه‌های خاص عمل (مانند موقعیت‌ها، چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی که کردارهای گفتمانی درون آن‌ها جای می‌گیرند)، مفروض خواهد بود (وداک، ۲۰۰۱: ۶۶-۶۵). بنابراین، گفتمان هم ساخته شده و هم سازنده است. گفتمان‌ها هویت سازند و خصلت انتقال به جامعه را دارند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۱: ۴). از دیدگاه ارنستو لاکلاو^۱ و شنتال موفه^۲، گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و تغییر در گفتمان‌ها، تغییر در جهان اجتماعی را به همراه خواهد داشت. آن‌ها معتقدند هر گفتمان بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و با اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها، به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنها شکل می‌دهند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۱؛ سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). گفتمان‌های موجود در جامعه در عینیت‌سازی اهداف خود، رقیب محسوب می‌شوند. رابطه گفتمان‌ها ممکن است مشارکتی، تداخلی یا تقابلی باشد.

ب) تحلیل گفتمان لاکانی: شخص هیستریک، ایدئولوژی، دیگری بزرگ، سوژه منحرف، آبرمن ژاک لاکان چهار گفتمان را متمایز کرده است (لاکان، ۱۳۹۲ - ب):

۱. *گفتمان خدایگان و بنده هگلی* مبتنی بر زور، روابط آمرانه و تحکم‌آمیز است. در این‌جا فهم قدرت اهمیت ویژه‌ای دارد. می‌توان این گفتمان را با تمایلات جهان سرمایه‌داری پیوند داد؛
 ۲. *گفتمان دانشگاهی* به رابطه برتری طلبی علم و توهم شناخت واقعیت عینی جهان توسط علم باز مربوط است. پس، معلم برتر از متعلم است و بر او احاطه دارد؛
 ۳. *شخص هیستریک* بیماری است که از «دیگری بزرگ» و جهان به عنوان دلیل بیماری خود، انتقام می‌گیرد. این گفتمان در کینه‌توزی سلفی‌گرایی یا بن لادنیسم درباره غرب مشهود می‌شود و رابطه‌ای انتقام‌جویانه و تخریبی دارد؛
 ۴. *روان‌کوی فرابندی* تعاملی است که روان‌کاو به مثابه تسهیلگر و شخص مفروض به دانایی، درصدد حمایت و نجات بیمار است. روان‌کاو با ناخودآگاه بیمار سر و کار دارد. در ادامه، توضیحات مربوط به گفتمان شخص هیستریک ارائه می‌شود:
- یکی از مفاهیم نظری تحلیل گفتمان در اندیشه لاکان، «سوژه منحرف» است. سوژه منحرف، در حقیقت، ابژه‌ای است که خود را آلت دست «دیگری بزرگ» برای تحقق ضرورتی

1. E. Laclau
2. C. Mouffe

تاریخی و الهی می‌داند (ژیژک، ۱۳۹۲- الف: ۱۲۷؛ ژیتک، ۱۳۹۲- ب: ۲۰۵). بنابراین، سوژگی نه به فرد، بلکه به دیگری بزرگ تعلق می‌یابد (ژیژک، ۱۳۹۲- الف: ۱۳۲). دیگری بزرگ در اندیشه لاکان ساحتی مجازی و نمادین دارد و از آن به‌عنوان نوعی تقدیرِ گریز ناپذیر یاد می‌شود (ژیژک، ۱۳۹۰: ۲۳-۴۵). می‌توان دیگری بزرگ را در قالب یک عامل منفرد، مشخص و متبلور کرد؛ «هستی» ای که از بالا بر اعمال «من» و همه افراد دیگر ناظر است یا آرمانی (آزادی، کمونیسم یا ملت) که خودم را به آن متعلق می‌دانم (ژیژک، ۱۳۹۲- الف: ۲۰-۱۸). افراد همواره برای ساختن ایدئولوژی نیازمند دیگری بزرگ هستند. برای مثال، شرق‌شناسی جریانی برای شناخت غربی‌ها از خود اما با استعانت از یک «دیگری بزرگ» (شرق) است. ناخودآگاه، کلام دیگری بزرگ است. یکی از کارکردهای دیگری بزرگ، به جای «من» اندیشیدن، فکر کردن و حتی لذت بردن است.

اسلاوی ژیتک، یکی از مهم‌ترین شارحان تحلیل گفتمان لاکانی، سه مثال برای سوژه منحرف مطرح می‌کند: اسامه بن لادن (طالبانیسم)، نازی‌ها در جنگ جهانی (فاشیسم) و جرج بوش (رئیس‌جمهور سابق امریکا) (بنگرید به: ژیتک، ۱۳۹۲- الف). برای مثال، سوژه منحرف طالبانی تصور می‌کند که نوعی تقدیر بر او سایه انداخته و او توسط خداوند انتخاب شده تا با جهاد و پیکار، دیگری بزرگ را خشنود سازد. بنابراین، سادیسم متجلی در رفتار سوژه منحرف، نه در اختیار او، بلکه نوعی فشار تحمیل‌شونده از سوی دیگری بزرگ محسوب می‌شود.

همچنین، در مباحث تحلیل گفتمان لاکانی، سه مفهوم حائز اهمیت‌اند (ژیژک، ۱۳۹۲- الف: ۹۸ و ۹۹: ۱) من آرمانی^۱؛ ۲) آرمان من^۲ و ۳) ابرمن^۳.

من آرمانی، از تصویر خیالی و آرمانی هر فرد حکایت دارد که دوست دارد آن‌گونه دیده شود و آن‌گونه باشد. در این جا با «دیگران کوچک» که ناظر ما هستند، سر و کار داریم. در آرمان من، ساحت نمادین و قانونی تجلی می‌یابد. دیگری بزرگ به سطح آرمان من تعلق دارد. آرمان من، من را از میل ورزیدن به‌عنوان سوژه‌ای میل‌ورز، باز داشته و ضرورت تبعیت از قانون و چشم‌پوشی از میل را فرمان می‌دهد. در مقابل، ابرمن تلاش دارد تا فرمان لذت دادن و تبعیت از قاعده میل ورزیدن من را یادآوری کند. بنابراین، نوعی کشاکش میان آرمان من و ابرمن وجود دارد. ابرمن در لحظه حضور «اسم پدر» به‌هنگام جدا کردن من از میل به والد نا هم‌جنس و

1. Ideal Ego
2. Ego Ideal
3. Super Ego

هم‌زمان با شکل‌گرفتن ناخودآگاه، در من درونی می‌شود (هومر، ۱۳۹۲: ۷۵). از منظر تحلیل گفتمان لاکانی، فاشیسم یا طالبانیسم نوعی تجلی آبرمن نیز هستند. لاکان، نژادپرستی را نوعی از ساختار آبرمنی می‌داند (هومر، ۱۳۹۲: ۸۷).

روش پژوهش

ابتدا، نویسندگان مهم‌ترین اخبار و اسناد برجسته و معتبر درباره زنان و خانواده در میان گروه داعش مربوط به بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ را در فضای مجازی (با تمرکز بر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) که مشتمل بر منبع خبری مربوط به خبرگزاری‌ها و نهادهای معتبر بین‌المللی و داخلی (گاردین، ایندپیندنت، دیلی میل، دیلی استار، سی‌ان‌ان، العالم، الحیاه، النهار، السفیر، القدس - العربی، المسلمه، سومریه نیوز، شیعہ نیوز، شیعہ آنالین، آسیا نیوز، باشگاه خبرنگاران جوان، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، کمیته حقوق کودکان سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل، سازمان توسعه اسلامی مالزی) بود، جست‌وجو کرده و سپس، ۶۲ مورد از داده‌های به‌دست آمده را در چند مرحله، کدگذاری کردند. برای تحلیل داده‌ها در این مقاله، بر مبنای تحلیل گفتمان جیمز پال گی، نورمن فرکلاف و با استفاده از ادبیات گفتمانی ارنستو لاکلاو و شنتال موفه عمل شده است. همچنین، در مرحله تحلیل گفتمان تبیینی، از رویکرد تحلیل گفتمان لاکانی نیز استفاده خواهد شد.

گی میان گفتمان اولیه و ثانویه تفاوت قائل است. گفتمان اولیه به مجموعه ارزش‌ها، عقاید و رفتارهایی اشاره دارد که یک فرد در خانواده آنها را تجربه می‌کند و گفتمان ثانویه شامل شبکه تجارب اجتماعی وسیع‌تر ناشی از عوامل مداخله‌کننده‌ای همچون مدارس، مشاغل یا دولت است. مجموع این دو گفتمان، معنا و هویت را در ساختن دنیای پیرامون کنش‌گران تسهیل می‌نماید. تحلیل گفتمان از نظر گی، شامل شش سؤال از متن است که به کارکردهای زبان مربوط می‌شوند (گی، ۱۹۹۹):

۱. پرسش از کارکرد زبان در معناسازی
 ۲. پرسش از کارکرد زبان در وضع فعالیت‌ها
 ۳. پرسش از کارکرد زبان در مشخص کردن نقش‌ها و هویت‌ها
 ۴. پرسش از کارکرد زبان در ایجاد روابط اجتماعی
 ۵. پرسش از کارکرد زبان در هدایت چشم‌اندازی معین در میان کنش‌گران
- عبرپرسش از کارکرد زبان در دانش و نظام نشانه‌ها.

فرکلاف مفهوم نظم‌های گفتمانی را برای توصیف روابط میان متون، تجربه‌های اجتماعی و هویت‌های اجتماعی از فوکو به عاریت گرفت. یک نظم گفتمانی، نظامی با ثبات نیست. تحلیل

گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف، مسائل اجتماعی، روابط قدرت، ویژگی‌های جامعه و فرهنگ، باورهای ایدئولوژیک و کنش‌های اجتماعی را آشکار می‌سازد. او به دنبال دستیابی به چگونگی روابط قدرت در بازتولید گفتمان‌هایی درباره جنسیت، قوم و نژاد بود. در چنین نگرشی، گفتمان مترادف با روش معنا بخشیدن به حوزه خاصی از تجربه اجتماعی در چشم‌اندازی خاص است. روش تحلیل گفتمان فرکلاف، مستلزم تحلیل در سه سطح زیر است:

۱. تحلیل توصیفی: نظام معانی جدا از زمینه و شرایط اجتماعی آن تحلیل می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۱ و ۱۷۲)؛

۲. تحلیل تفسیری: با معناکوی سر و کار داریم و هدف، فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است. به عبارت دیگر، هم توجه به درون بافت گفتمان و هم به درون بافت موقعیتی آن می‌شود زیرا گفتمان معانی خود را از زمینه معرفتی اجتماعی می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). همچنین می‌توان یک خرده گفتمان را درون گفتمان کلان‌تر معناکوی کرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۰)؛

۳. تحلیل تبیینی: نیازمند نوعی تحلیل فرامتن است یعنی پاسخ به اینکه چرا و چگونه خرده گفتمان رخ داده است؟ تبیین معطوف به بررسی تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و گفتمان (یا خرده گفتمان) است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در ادامه، پس از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مؤلفه‌ها و دال‌های مربوطه شناسایی و سپس مورد تحلیل انتقادی گفتمان قرار گرفته است. سطح تحلیل در این مطالعه، خرد و واحد تحلیل، جملات مندرج در متون بوده است.

یافته‌های پژوهش

۱. تحلیل گفتمان توصیفی: بازنمایی مفاهیم و کدگذاری

برای تحلیل توصیفی گفتمان لازم است از تکنیک کدگذاری کیفی استفاده شود. به همین منظور، در ابتدا به خلاصه‌سازی دیدگاه‌ها پرداخته شده و در ادامه، با استخراج مفاهیم متعلق به الگو و طبقه‌بندی آن‌ها، به مقوله‌بندی مفاهیم اقدام می‌شود. کدگذاری کیفی مستلزم محدود کردن و تنقیح واژگان بوده و شامل مراحل زیر است:

الف) خلاصه‌سازی و استخراج مفاهیم کلیدی: در این مرحله، تنها ایده‌های مرکزی الگوهای خانواده با واحد تحلیلی «عبارت» تلخیص می‌شود. سپس در سطح تحلیلی مفاهیم بررسی ادامه

می‌یابد. مفهوم، تصویری است که در قالب کلمات یا نماد بیان می‌شود. مفاهیم نقش برقراری پیوند با جهان اجتماعی را دارند. در «سنت هستی‌شناختی^۱»، مفاهیم خصایص اساسی جهان اجتماعی را بازتاب و تعریف می‌کنند (بلیکی، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۷۰). مفاهیم هر الگو، برخاسته از جهان اجتماعی مورد نظر گفتمان آن است.

ب) مقوله‌بندی: فرایند مقوله‌بندی به خلاصه کردن مفاهیم در قالب مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان آنها با مفاهیم مافوق اطلاق می‌شود (فلیک، ۱۳۹۲: ۳۳۰). به عبارت دیگر، با پالایش، ادغام و مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها، ارتباط بین مفاهیم کلیدی در یک الگو شناسایی شده و پراکندگی مفاهیم در قالب مقولات تنظیم و تنسيق می‌شوند.

در جدول زیر، پس از اعمال کدگذاری باز و محوری، خلاصه ابعاد هفت‌گانه‌ای از الگوی خانواده داعشی ارائه شده است:

جدول ۲. تحلیل گفتمان توصیفی الگوی خانواده داعشی - مفاهیم

مؤلفه الگو	مفاهیم اساسی و کلیدی در کدگذاری باز و محوری الگوی خانواده داعشی
نوع خانواده	گسترده - عدم کنترل باروری - وجود شبکه قومی و طایفه‌ای - واحد مهم اجتماعی - تأثیرپذیری از خوانش ظاهرگرایی و سلفی‌گرایی.
کارکردهای خانواده	پیوند با اجتماع - تولید مثل - جامعه‌پذیری - نیروسازی برای جهاد - غلبه اهداف اجتماع بر خانواده.
تقسیم کار و توزیع قدرت زن و مرد	یک‌طرفه - محدودیت منابع قدرت - سلطه مردانه - تصمیم‌گیری مردانه - برتری قدرت مردانه - نقش‌های جنسیتی مبتنی بر ارزش‌گذاری - مدیریت و سرپرستی مرد در خانواده - زن موظف به اجرای فعالیت‌های خانه - اولویت حقوق مردانه
نگرش به مردان	عقلانی - مناسب برای بیرون خانه - ترجیح جنسی پسر
نگرش به زنان	کمتر عقلانی - بیشتر احساسی - مناسب برای داخل خانه - ابزار کثرت جمعیت - حضور نظامی در بیرون - اهمیت جهاد نکاح - محدودیت مشارکت اجتماعی و اشتغال.
نگرش به فرزندان (کودکان)	تحصیل علوم نظامی و عقیدتی - سربازان حال و آینده - اهمیت فرزند پسر - محدودیت در پیگیری علائق شخصی - عدم امکان استقلال فکری.
قواعد همسرگزینی، ازدواج و طلاق	ازدواج: همسریابی و همسرگزینی خانوادگی و فردی - اجبار نسبی در برخی ازدواج‌ها - ازدواج‌های مصلحتی (سیاسی اجتماعی) - اهمیت تعدد زوجات و صیغه - ازدواج در پایین‌ترین سن ممکن (اوایل بلوغ) - عدم ضرورت همسان‌همسری - درون‌همسری مبتنی بر عقیده - ازدواج عاملی برای همبستگی اجتماعی - آسان گرفتن فرایند ازدواج - امکان روابط هم‌جنس‌گرایی برخی پسران. طلاق: آسان گرفتن طلاق مبتنی بر اصول عقیدتی - طلاق حق مردانه - کم بودن تبعات روانی اجتماعی - امکان ازدواج مجدد.

در مرحله کدگذاری انتخابی به منظور مقوله‌بندی، می‌توان مفاهیم الگوی خانواده داعشی را حول مقوله‌های اختصاصی‌اش تنظیم و تنسيق کرد:

جدول ۳. تحلیل گفتمان توصیفی الگوی خانواده داعشی - مقولات

مقوله اختصاصی	مجموعه عناصر مقوله در کدگذاری انتخابی
تقدم اصالت جمع (مبتنی بر عقاید جهادی)	خانواده گسترده مرتبط با طایفه و قوم - پیوند اجتماع و خانواده - تأثیرپذیری از خویش ظاهرگرایی و سلفی‌گرایی - تولید نسل - جامعه‌پذیری - نیروسازی برای جهاد - غلبه اهداف اجتماع بر خانواده - تحصیل علوم نظامی و عقیدتی فرزندان - فرزندان به‌عنوان سربازان حال و آینده - محدودیت در پیگیری علائق شخصی فرزندان - عدم امکان استقلال فکری فرزندان - درون‌همسری مبتنی بر عقیده - ازدواج عاملی برای همبستگی اجتماعی - اجبار نسبی در برخی ازدواج‌ها - ازدواج‌های مصلحتی (سیاسی اجتماعی) - امکان ازدواج مجدد پس از طلاق.
قدرت مردانه (مردسالاری)	محدودیت منابع قدرت - سلطه مردانه - برتری قدرت مردانه - عدم کنترل باروری (از سوی مردان) - زن موظف به اجرای فعالیت‌های خانه - توزیع قدرت یک‌طرفه (مردانه) - تصمیم‌گیری مردانه - برتری قدرت مردانه - ترجیح جنسی پسر - نقش‌های جنسیتی مبتنی بر ارزش‌گذاری - مدیریت و سرپرستی مرد در خانواده - اولویت حقوق مردانه - مرد مناسب برای بیرون‌خانه - بیشتر احساسی بودن زنان - اهمیت فرزند پسر - اهمیت تعدد زوجات و صیغه (میل مردانه) - امکان روابط هم‌جنس‌گرایی برخی پسران - طلاق حق مردانه - محدودیت مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان.

❖ سال هشتم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۵

۲. تحلیل گفتمان تفسیری: بررسی مفاهیم نظری تحلیل گفتمانی

در مرحله تحلیل گفتمان تفسیری، مهم‌ترین مفاهیم نظری تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه که نشان دهنده ماهیت اصلی الگوی خانواده داعشی هستند، بررسی شده است:

۱. مفصل‌بندی^۱: هر عملی که رابطه میان مؤلفه‌ها را تثبیت می‌کند، به نحوی که هویت‌شان با این عمل تغییر یابد، مفصل‌بندی نامیده می‌شود. در این فرایند، هویت جدیدی به یک مؤلفه داده می‌شود.

۲. دال مرکزی^۲ (گره‌گاه^۳): نشانه‌ای است ممتاز که دیگر نشانه‌ها حول آن نظم می‌یابند. دال مرکزی به مثابه دال جاذب و هسته اصلی گفتمان، سایر دال‌ها را برای مفصل‌بندی گفتمان تنظیم می‌کند.

۳. دال‌های شناور: دال‌های شناور نشانه‌هایی چندمعنایی هستند که مفهوم آنها هنوز تثبیت نشده است. گفتمان می‌کوشد تا با تقلیل معانی، آنها را به عنصر (بُعد) خود تبدیل کند.

1. Articulation
2. Nodal Point
3. Crux

۴. **اسم‌سازی:** روندی است که در آن شکل‌دهندگان گفتمان بر امری که قبل از آن دارای اسم خاصی نبوده، با دادن اسم، معنایی خاص و نو می‌بخشند.

۵. **برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی:** گفتمان‌ها همواره «غیر» را به حاشیه برده و خود را برجسته می‌کنند. پس، مفهوم غیریت، در ذات خود، با مفاهیم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی همراه است. این دو استراتژی به اشکال مختلف در عرصه مناقشات گفتمانی ظاهر می‌شوند. برجسته‌سازی دال‌های مورد نظر با بیان نقاط قوت گفتمان خودی و برجسته‌سازی نقاط ضعف گفتمان رقیب همراه است.

در جدول شماره ۴ نتیجه تحلیل گفتمان تفسیری، با توجه به پنج مؤلفه تحلیلی مذکور، ارائه شده است:

جدول ۴. تحلیل گفتمان تفسیری الگوی خانواده داعشی

مؤلفه تحلیل	الگوی خانواده داعشی
مفصل‌بندی	حول مفاهیم: مردمحوری - غلبه اصالت جمع - توجه به آموزه‌های سلفی‌گرایی و ظاهرگرایی (خلافت)
دال مرکزی (گره‌گاه)	پیگیری اهداف اجتماع و جهاد از طریق خانواده (کارخانه تولید مثل در خدمت خانواده)
دال‌های شناور	نیروسازی برای جهاد - غلبه اهداف اجتماع بر خانواده - تحصیل علوم نظامی و عقیدتی فرزندان - فرزندان به‌عنوان سربازان حال و آینده - محدودیت در پیگیری علائق شخصی فرزندان - عدم امکان استقلال فکری فرزندان - درون‌همسری مبتنی بر عقیده - ازدواج‌های مصلحتی (سیاسی اجتماعی) - ترجیح جنسی پسر - نقش‌های جنسیتی مبتنی بر ارزش‌گذاری - اهمیت تعدد زوجات و صیغه (میل مردانه) - امکان روابط هم‌جنس‌گرایی برخی پسران - محدودیت مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان
اسم‌سازی	اصطلاح «جهاد نکاح» (برای تشفی خاطر مردان جنگ‌جو و به‌اصطلاح مجاهد - برای تکثیر اولاد)
برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی	برجسته‌سازی: اصالت اجتماع و اولویت اهداف اجتماع - قدرت مردانه به حاشیه راندن: حقوق زنان و کودکان - تفاهم و توافق همسر و شوهر

۳. تحلیل گفتمان تبیینی: قدرت و زمینه گفتمانی

الگوی خانواده داعشی، تماماً متأثر از مبادی اعتقادی و معرفتی جریان «ظاهرگرایی» (مانند عقاید «ابن تیمیه» و «سید قطب») در اسلام نیست (بنگرید به: پارسانیا و عرفان‌منش، ۱۳۹۱)، بلکه التقاط و تلفیقی از برخی آموزه‌های سلفی‌گرایی (مانند اتحاد اولیه ابو مصعب زرقاوی مؤسس جماعت توحید و جهاد و همچنین داعش با اسم بن لادن موسوم به «حلف الطیبین») به همراه ابعادی سکولاریستی دنیای مدرن است. اغراض سیاسی و حتی سکولاریستی نهفته در گفتمان داعش، آن‌را از سرچشمه‌های حقیقی اسلام دور کرده است. داعش در عمل، بر عقبه ظاهرگرایی و سلفی‌گرایی خود، وفادار نمانده است. داعش در بستر و عقبه تاریخی اجتماعی معینی ظهور

یافت. بخشی از دلایل موجودیت این جریان، به اقتضائات درونی جهان اسلام (مانند اختلاف ابو محمد جولانی مؤسس «جبهه النصره لاهل الشام» با ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۳) باز می‌گردد و بخشی دیگر، به اقتضائات بیرونی متعلق به مواجهه کلان‌تری در سطح هستی‌شناسی توحیدی با هستی‌شناسی سکولاریستی دنیای مدرن مربوط است. شکل‌گیری داعش، هم نشان‌دهنده فعال شدن اسلام در دنیای مدرن پس از انقلاب اسلامی و هم نشان‌دهنده نقص در عملکرد برخی از ضرورت‌ها در دنیای اسلام (مانند ضعف در فهم اهمیت اتحاد) است.^۱ بر اساس تحلیل گفتمان لاکانی، مسئله داعش، صورتی هیستریک و مخرب دارد. آنها به‌ظاهر در صدد مبارزه با مظاهر تمدنی غرب هستند اما به‌واقع، برای منافع و دسیسه‌های سیاسی آنها حرکت می‌کنند.

الگوی خانواده داعشی، نهادی نظام‌گسیخته و ناپایدار است. دال مرکزی خانواده داعشی در پیگیری اهداف اجتماع و جهاد (برای تشکیل حکومت اسلامی و برداشتن مرز میان کشورهای اسلامی) تجلی می‌یابد. بنابراین، نوعی رویکرد پراگماتیستی بر ساختار خانواده داعشی سایه انداخته است؛ به‌طوری که ابعاد و مؤلفه‌های برسازنده الگوی خانواده، بر حسب ضرورت و برای تحقق ابزار اجتماع، عمل می‌کنند.^۲ الگوی خانواده داعشی تنها به‌منزله ابزاری برای تحقق انگیزه‌های والاتر است.

حقیقت و عفت زن در این خانواده، به زیر کشیده شده و حقوق فردی و اجتماعی از او سلب می‌گردد. زن ابزاری برای تشفی و ارضای مردان و پسران تنومندی است که باید به‌منزله خدمتکار، محیط خانه را برای آرامش مردان فراهم آورد. به‌همین دلیل، دختران در اجتماع داعشی، از سن هفت یا هشت سالگی آماده ازدواج می‌شوند. از طرفی زنان از حضور در عرصه اجتماعی^۳ (مانند رانندگی)، دانشگاهی، شغلی (مانند تخصص پزشکی)، سیاسی (مانند نامزدی انتخابات) و تصمیمات شخصی (نوع لباس، پوشش یا استفاده از کلیپس و سنجاق مو) منع می‌شوند و از طرف دیگر، گردان‌های جهادی برای آمادگی نظامی زنان (عمدتاً سنین ۱۵ تا ۳۰ ساله)

۱. بنگرید به: مصاحبه حمید پارسا، ۲۰/۸/۹۳: <http://shafaqna.com/persian/shafaqna/item/93907>

۲. تماشای تلویزیون توسط خانواده‌های داعشی ممنوع می‌شود (به‌جز شبکه داعشی «خلافت اسلامی در نینوا») اما استفاده از فضای سایبری برای جذب نوجوانان و جوانان (به‌ویژه دختران) و آموزش‌های تروریستی، به‌شکلی فعال عمل می‌کند. به موازات چنین نگرشی، تماشای کارتون (مانند «باب اسفنجی») و انیمیشن از کودکان سلب می‌شود اما برای شهرک سینمایی داعش (موسوم به «رسانه جهادیسیم» در شهر حمص سوریه)، استفاده از فناوری برای رسیدن به هدف اصلی داعش تلقی می‌شود.

۳. تشکیل پلیس زنان (مانند تشکل «نشاء» یا «خنساء») در شهرهای زیر سلطه داعش نیز بیشتر خصلتی ابزاری دارد و از آنها برای جاسوسی، عملیات انتحاری و شناسایی زنان و دختران مناسب برای نکاح با مردان استفاده می‌شود.

یا جریان سایبری (مانند بنیاد «الزوراء») در شبکه‌های اجتماعی (مانند فیس بوک، اسکایپ یا توئیتر) به رهبری زنان، تشکیل می‌شود. اجتماع داعشی، دهکده اغواشدگانی (مانند دختران مالزیایی) است که جاذبه مفاهیم دینی و مقدسی مانند «جهاد»، آنها را به خود جلب کرده و سپس با چهره‌عریان آبرمن لاکانی مواجه می‌شوند (مانند مهاجرت «آکل زینال» خواننده راک در مالزی) از زنان، حق عقیده داشتن نیز سلب شده است.

زنان آماده جهاد نکاح نیز به مثابه آلت دست مردان ستیزه‌خو، مجبور به پوشیدن «نقاب‌های زرد» شده‌اند. علی‌رغم خدمت زنان، آنها از حق سلامت نیز محروم‌اند و حق مراجعه به پزشک مرد را ندارند و خود نیز نمی‌توانند در دانشگاه‌ها رشته‌های تخصصی پزشکی را دنبال کنند. استفاده از مانکن‌های زن در لباس‌فروشی‌ها ممنوع است، حال آن‌که مردان داعشی در عمل با مانکن‌های واقعی در حال میل‌ورزیدن هستند. بنابراین، عاملیتی برای زنان و کودکان (به‌ویژه دختران) در سطح کنش اجتماعی باقی نمی‌ماند. خوی مردسالارانه مستقر در خانواده داعشی، ملهم از تجلی آبرمن در میان پسران و مردان است. در رویکرد تحلیل گفتمان لاکانی، آبرمن همواره دستور به لذت دادن می‌دهد و سوژه را با فرمان‌های خود بمباران می‌کند (ژیژک، ۱۳۹۲-الف: ۹۸). مردانگی نیز کارکردی ابزاری برای رسیدن به هدف اصلی این جریان محسوب می‌شود. آنها بهترین جنگاوران تلقی می‌شوند.^۱ بر همین منوال، جهاد نکاح یا تجاوز به زنان و دختران اسیر نیز در راه هدف اصلی توجیه می‌گردد. فروش برده‌وار زنان در بازارها، آبرمن نهفته در جوانان و مردان را بیدار کرده و آنها را به لذت بردن وامی‌دارد. در حالی که نوجوانان از حضور در پارک، قهوه‌خانه یا پوشیدن لباس‌های ورزشی باشگاه‌های اروپایی منع می‌شوند. مع‌الوصف، اهداف اجتماع و جهاد بر خانواده غلبه دارد.

کودکان نیز بیش از اینکه سودا و خیال تحصیل داشته باشند، در راستای هدف اصلی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. آنها وادار به تمرین نظامی (بریدن سر عروسک یا حیوانات) در مقرهای آموزشی (مانند گروه «اشبال التوحید» یا «فتیان الاسلام») برای آینده‌ای نزدیک می‌شوند. جامعه‌پذیری کودک بیش از اینکه توسط حمایت‌های عاطفی و روانی والدین اجرا شود، از سوی آموزش‌های نظامی و عقیدتی نهادهای رسمی، تجویز و به آنها منتقل می‌شود.

۱. از این‌رو، مصرف نوشابه‌های انرژی‌زا (مانند «رد بول») یا شکلات‌های مقوی (مانند «مارس») که از کشورهای اروپایی برای مردان داعش وارد می‌شوند، پذیرفته شده و بنابراین، محصولات غربی به دلیل کمک به هدف اصلی مجاز تلقی می‌شوند.

بر طبق تحلیل گفتمان انتقادی گی، گفتمان اولیه (خانواده) غایب بوده و تنها گفتمان ثانویه (مدارس یا سازمان‌های دولتی) حضور دارد.

افزایش جمعیت و منع استفاده از داروها و لوازم ضد بارداری نیز به‌منظور تکثیر نژاد و عقاید گفتمان داعش است. بنابراین، خانواده داعشی به‌مثابه گذرگاهی برای رسیدن به آمال و مقاصد سیاسی تلقی می‌شود. «ازدوهای گروهی» و جهاد نکاح، بنیانی برای شکل‌گیری و نضج خانواده باقی نگذاشته و تنها به شیوه‌ای برای هرج و مرج جنسی مبدل شده است. بنابراین، به‌لحاظ بینش ناشی از تحلیل گفتمان انتقادی و لاکانی، سست بودن الگوی خانواده داعشی ممکن است نشانی از سست بودن اجتماع و گفتمان آنها باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

برآمدن انقلاب اسلامی در ایران و پس از سه دهه در میان کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، باعث خیزش بیداری اسلامی با مرکزیت گفتمان انقلاب اسلامی شده است. مقارن با گرایش و توجه به سمت الگوهای سیاسی، اقتصادی، تعلیم و تربیتی و سبک زندگی (با مرکزیت خانواده) که برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی هستند، ادعای جهان‌بینی دنیای مدرن غربی درباره پایان یافتن قدرت دین و نقش آن در سامان‌دهی به مناسبات اجتماعی، سیاسی و سبک زندگی، به چالش کشیده شده است. بنابراین، یکی از استراتژی‌های نظام معرفتی جهان سکولار در مواجهه با گسترش انقلاب اسلامی، جریان‌سازی گروه‌های شبه اسلامی مانند داعش است تا بتوانند فضای تخصص و تقابل گفتمانی را شکل داده و به کنش‌گران اجتماعی هویت بدهند. در این میان، سبک زندگی اصیل اسلامی در معرض الگوهای متخاصم که اغراض و مطامع سیاسی جهان غرب را دنبال می‌کنند، قرار گرفته است. در این مقاله، به تخصص گفتمانی جریان داعش با گفتمان انقلاب اسلامی در جنبه الگوی خانواده پرداخته شد.

هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد. گفتمان بر اساس همخوانی با نظام معنایی خود یکی از آن معانی را تحکیم کرده و دیگر معانی از آن عنصر را طرد می‌کند. گفتمان‌ها، «غیر» را به حاشیه رانده و خود را برجسته می‌کنند. مفهوم «غیریت» در ذات خود با استراتژی‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی همراه است. هدف تخصص ایجاد هویتی گروهی در قالب دو گروه «مایی» و «آنهايي» است. با شکل‌گیری غیریت و تخصص در فضای گفتمانی،

«غیریت‌سازی» اجرا می‌شود. تنوع و تفاوت ابعاد مخاصمه از ویژگی‌هایی است که در قالب جنبش اجتماعی، عمل نمادین، نوشتن اعلامیه یا تأسیس تشکل و سازمان آشکار می‌شود. تخاصم و ضدیت یک گام بالاتر از غیریت هستند. در تخاصم و ضدیت تلاش می‌شود تا سایر گفتمان‌ها از «رقیب» به «دشمن» تبدیل شوند. چنین مؤلفه‌هایی در تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه عمدتاً برای منازعات جریان‌ها، جنبش‌ها و احزاب سیاسی به کار می‌روند. الگوی خانواده داعشی به دنبال ادعای داشتن اصالتی مطلق مبتنی بر شاعر و آموزه‌های اولیه اسلام (صدر اسلام) است و معتقد است تنها مرجع مشروع برای ارائه خوانش از الگوی خانواده اسلامی است. اساساً هیچ گفتمانی خارج از مدار قدرت نیست زیرا قدرت قالب‌دهنده و پیونددهنده دال و مدلول است. یکی از وجوه قدرت برای یک گفتمان، دستیابی به موضعی هژمونیک است. قدرت گفتمان‌ها ممکن است در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد. پیروان گفتمان، نزدیکی به حکومت سیاسی، داشتن حزب، دسترسی به رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی یا امکان استقرار تشکل و سازمان از جمله منابعی هستند که قدرت گفتمان‌ها را افزایش می‌دهند. همچنین، داشتن مبانی و پایه مستحکم معرفتی و نظری یکی دیگر از عوامل قدرت به شمار می‌رود اما ممکن است قدرتی را که یک گفتمان به واسطه نفوذ در رسانه‌ها یا همراهی احزاب با آن کسب می‌کند، بیش از قدرت برآمده از وجه استدلالی و اقناعی محتوای گفتمان باشد. گفتمان داعش با بسیج کردن امکانات جهان استکبار علیه الگوی گفتمان انقلاب اسلامی تلاش دارد تا نفوذ قدرت خود را از سطح منطقه‌ای به سطح جهانی تبدیل کند. علی‌رغم دسترسی داعش به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و تسلیحات نظامی غربی و صهیونیستی، به شدت در وجه قدرت معرفتی و نظری دارای ضعف است. الگوی خانواده داعشی بر پایه‌ای سست و مبتنی بر التذاذهای شهوانی به‌منظور پیشبرد اهداف سیاسی قرار گرفته است. این الگو قدرت خود را نه از تعالیم اسلامی، بلکه از تقلب و جعل هویت دینی به پشتوانه جهان غرب به‌دست آورده است.

منابع و مأخذ

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). **تحلیل گفتمان انتقادی**. تهران: علمی و فرهنگی.
- بستان، حسین (۱۳۸۴). تشیع و تأثیر آن بر خانواده در ایران. **فصلنامه شیعه‌شناسی**. شماره ۱۱: ۱۰۶-۹۵.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۷). **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- پارسایان، حمید و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۱). روش‌شناسی بنیادین معرفت اجتماعی سید قطب. **فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**. شماره ۲: ۹۲-۶۳.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۱). **جریان‌شناسی گفتمان‌های همسو و معارض انقلاب اسلامی**. تهران: اندیشکده راهبردی تبیین.
- رضایی، جمال و علی‌اصغر نراقی (۱۳۸۹). بررسی الگوی خانواده سالم در سیره پیامبر اسلام (ص). **فصلنامه فدک**. شماره ۴: ۱۲۴-۹۳.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۰). **از نشانگان خود لذت ببرید: ژاک لاکان در هالیوود و بیرون از هالیوود**. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۲). **چگونه لاکان بخوانیم**. ترجمه علی بهروزی. تهران: رخ داد نو.
- ژیژک، اسلاوی (۱۳۹۲). **کز نگر بیستن**. ترجمه مازیار اسلامی و صالح نجفی. تهران: رخ داد نو.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. **فصلنامه علوم سیاسی**. شماره ۲۸: ۱۸۰-۱۵۳.
- سلطانی، مهدی (۱۳۹۰). الگوی ساختار خانواده مطلوب از دیدگاه اسلامی. **فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی**. شماره ۳: ۴۱۳-۱۷۱.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴). بازنمایی و تحلیل الگوی خانواده اسلامی ایرانی در گفتمان انقلاب اسلامی. **فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی**. شماره ۲۳: ۲۳-۵.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان نظریه‌پردازانه‌های اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران. **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**. شماره ۵۸: ۴۸-۷.
- عرفان‌منش، ایمان و غلامرضا جمشیدی‌ها (۱۳۹۳). رابطه علوم انسانی اجتماعی با گفتمان و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. **فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی**. شماره ۲۰: ۲۵-۴.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۲). **درآمدی بر تحقیق کیفی**. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران (۱۳۸۶). **بررسی عوامل مؤثر در تحکیم خانواده**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). **ده گفتار**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

مک دانل، دایان (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان**. ترجمه حسین علی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.

ون داک، تئون ادریانوس (۱۳۸۲). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان**. ترجمه پیروز ایزدی و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

هومر، شون (۱۳۹۲). **ژاک لاکان**. ترجمه محمدعلی جعفری و سیدمحمد ابراهیم طاهایی. تهران: ققنوس.

Blommaert, J. 2005. *Discourse: A Critical Introduction*. Cambridge: Cambridge University.

Gee, J. P. 1999. *An Introduction to Discourse Analysis: Theory & Method*. London & New York: Routledge.

Gutting, G. 2006. *The Cambridge Companion Foucault*. Cambridge: Cambridge University.

Rogers, R. 2004. "Setting an Agenda for Critical Discourse Analysis in Education". in: Rogers, R. *An Introduction to Critical Discourse Analysis in Education*. (pp237-254). LEA: London.

Sardar, Z. & B .Van Loon. 1998. *Introducing Cultural Studies*. Australia: Victoria.

Wodak, R. 2001. "What CDA Is about?(A Summary of Its History, Important Concepts, & Its Developments in Method of Critical Discourse Analysis)". in: Wodak, R. & M. Meyer. *Methods of Critical Discourse Analysis*. (pp 1-14). London: Sage.

<http://shafaqna.com/persian/shafaqna/item/93907>.